

■ سال بیست وهفتم ■ شماره ۷۶۲۲ ■ شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

ایران

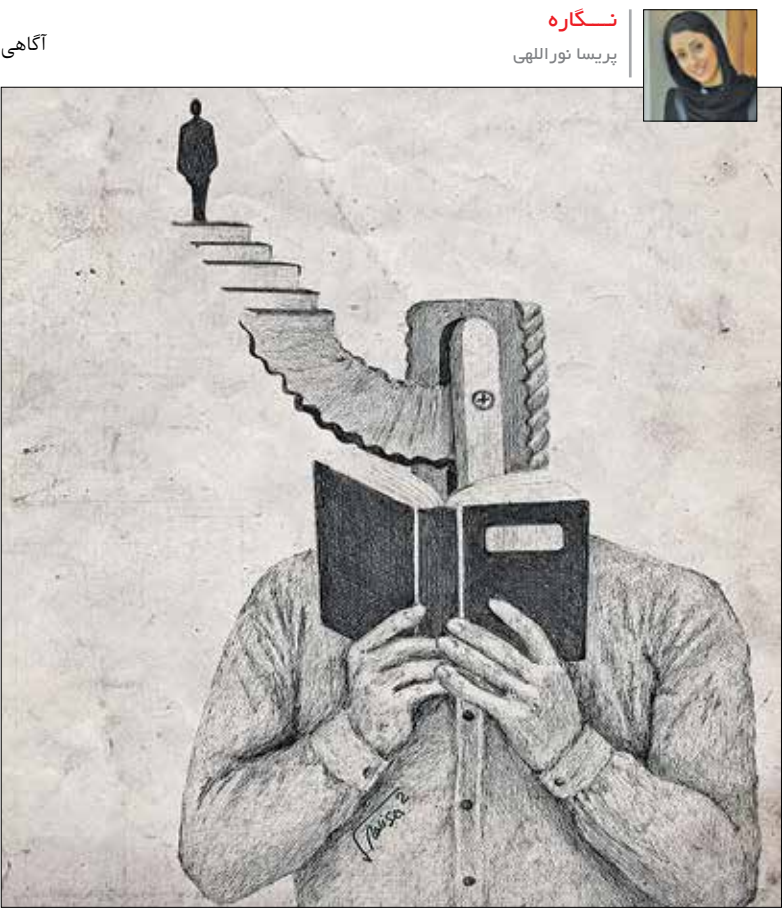
مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفيعی
سرديبر: جواد دليبری

اذان ظهر ۱۳/۰۱ | اذان مغرب ۲۰/۱۶ | نيمه شب شرعی۰۱۳/۰۵ | اذان صبح فردا ۴/۲۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۴

حضرت زهرا(س):روزه داری که زبان و گوش و چشم و ديگر اعضا و جوارح خود را کنترل ننمايد هيچ سودی از روزه خود نمی‌برد.

سخن روز

بحارالانوار:ج ۹۳،ص ۲۹۴،ج ۲۵



نگاره

پریسا نور اللهی

#پیروزِ حناچی

هشتگ

در ادامه حضور اهالی سیاست در کلاب‌هاوس، پنجشنبه شب پیروز حناچی شهردار تهران با حضور دراین شبکه اجتماعی به سوالات کاربران پاسخ داد. حرف‌های او درباره پروژه‌های شهرداری تهران مانند پل طبقاتی صدر وساخت وسازهای منطقه ۲۲ بسیار مورد توجه قرار گرفت و حرف‌های او درباره این موضوع بارها بازتشر شد.
جملاتی مثل: «اگر هزینه صدر را به قیمت آن سال برای حمل ونقل عمومی خرج کرده بودیم، کل پروژه متروی تهران تمام شده بود. پروژه صدر مثل آن است که کسی کلیه خود را بفروشد که جراحی زیبایی انجام دهد» یا «بنده همیشه به شوخی می‌گم به دوستان...که (در دوره قبل - در دوره شهرداری قالیباف) زمین‌های منطقه ۲۲، به قیمت به متر فاسدئونی فروخته شد.»
کاربران زیادی درباره حرف‌های حناچی اظهار نظر کردند و البته خیلی‌ها هم از اقدامات حناچی در مقام شهردار تهران نقد کردند: «با اینکه تقد‌های زیادی به حناچی وارده اما یکی از موفق‌ترین دوران شهرداری تهران رو داشت و توانست شهرداری رو با ترک گرم فروشی و تخریب باغات و باوجود بدی، ۶ هزار میلیارد تومنی اداره کنه»، «ایشالا صحبت‌های حناچی رو دنبال بکنید و به این رسیده باشید که شاید نشه خیلی پیش رفت اما جلوگیری از غارت سازمان یافته و رسمی و توسط خود مسئولان شهر، بهترین نتیجه‌ی رای سال ۹۶ در تهران بود»، «آقای حناچی دیشب در کلاب‌هاوس چند مرتبه گفت اطلاعات‌مان از هلدینگ یاس را

برای بازپرس ارسال کردیم. چندباری هم از عبارت تهران مانند پل طبقاتی صدر و ساخت و سازهای منطقه ۲۲ بسیار مورد توجه قرار گرفت و حرف‌های او درباره این موضوع بارها بازتشر شد.
جملاتی مثل: «در کلاب‌هاوس از پیروز حناچی درباره واکسیناسیون اتباع غیر ایرانی مشغول کار در شهرداری بخصوص باکبان‌های شریف اهل افغانستان پرسیدم که تبعیض در این باب زیننده نیست؛ جناب شهردار قول مساعد داد که با هماهنگی وزارت بهداشت بزودی این مشکل حل خواهد شد، (حناچی در کلاب‌هاوس دیشب خیلی محافظه‌کار ظاهر شد. یکی ازش درباره تخلفات مدیران دوره قالیباف پرسید گفت، برای تعدادی حکم انفضال از خدمت صادر شده اما هیچ توضیح بیشتری نداد. کدوم مدیرای دوره قبل انفضال از خدمت گرفتن؟»، «برنامه حناچی را کامل گوش نکردم، تقریبا جز موضوع تخلفات شهرداری قبلی سوألی پرسیده نشد! چیزی درباره نوسازی ناوگان تاکسی و اتوبوس، تجهیز ایستگاه‌های آتش‌نشانی به تجهیزات مدرن و همین طور وضعیت موش‌های پایش‌ت گرم فروشی و «شاکرگی‌های این روزهای حناچی مثل این می‌مونه که نون بربری صبح رو عصر بخوری، سیر می‌کنه اما حال نمی‌ده. اون روزه‌ها که آقای حق شناس و میرلوحی تو صحن شورا فریاد می‌زدند آقایون در شکایت از پرورنده‌های فساد گذشته ما رو سر کار گذاشتند، فقط سکوت عارفانه کردند».

شهروند مجازی

بگانه خدماتی

دیروز و همزمان با روز قدس با اینکه به دلیل شیوع کرونا راهپیمایی مخصوص این روز برگزار نشد اما کاربران در شبکه‌های اجتماعی از مردم فلسطین و مبارزهای آنها نوشتند.
کاربرانی جنایات رژیم صهیونیستی را یادآوری کردند و عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از اتفاقاتی که در سرزمین‌های اشغالی می‌افتد بازتشر کردند: «روز قدس یک روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز کشور ملت‌ها با بر قدرت‌هاست. روزی است که باید به همه قدرت‌ها هشدار دهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما و اعمال خبیث شما نیست. روز حیات اسلام است...»
«استادمون ازین تریپ هنری بود. نرم‌افزارهای طراحی درس میداد. به‌اشتباه سر کلاس گفت فردا میرم راهپیمایی روز قدس. بچه‌ها سر کلاس تعجب کردن و گفت راهپیمایی روز قدس ربطی به حزب‌اللهی بودن یا نبودن نداره. به به ملت ستم شده و باید ازشون حمایت کنیم»، «دروغ بزرگ اسرائیل در برابر فلسطین دوامی ندارد»، «می‌دونستید که شهادت ۱۵ هزار فلسطینی در همان یک سال اول اشغال فلسطین، گوشه‌ای از جنایت‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین است؟ می‌دونستید که از اول اشغال کشور فلسطین توسط اسرائیل ۱۵۰ هزار فلسطینی در زندان‌های اسرائیل اسیر هستند»، «مرد دنیا باید ریچل کوری رو بشناسن تا بدونن مساله فلسطین، مسیحی و مسلمان نمی‌شناسه. تابستون ۲۰۰۳ ریچل و هزار دانشجو از امریکا و انگلیس رفتن غزه تا با تشکیل سپر انسانی از تخریب



بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان تئاتر با مهر که بتازگی ۴ اثر فیلم– تاتر و دو فضای مجازی کرده است.

درباره مصوبه تازه هیأت دولت مبنی بر الزام دستگاه‌های اجرایی به مستندنگاری سینمایی طرح‌های بزرگ

پیوست فرهنگی مستندسازی

اوایل دهه‌هشتادبودوم تازه‌مسئولیت‌مرکزگسترش را به عهده گرفته بودم که آقای پزشک معاونت سینمایی وقت‌با من تماس گرفت وگفت‌پیرویدیداری که با آقای بهشتی رئیس سازمان میراث فرهنگی داشته‌وتوافق‌هایی برای کارهای مشترک انجام شده، دیداری با آقای بهشتی داشته باشم. جلسه‌ای برگزار شد و جشنواره میراث فرهنگی تمدن ایران «یادگار» استارت خورد. چیزی که برای من اولین بار در آن جلسه تازه بود و کنجکاوم را برانگیخت، بودجه‌ای بود که متوجه شدم سال‌هاست در اکثر دستگاه‌های اجرایی ایدیه‌می‌شده وهر سال هم این جهت معرفی وترویج وتبلیغ دستگاه‌های اجرایی دیده‌می‌شده وهر سال هم این بودجه معمولاً به صدواسیمایری کارهای گزاری‌شی ودم‌دستی پرداخت شده‌است. گویا دوستانی که در اولین بار این ارقام را برای فعالیت‌های سازمان‌ها دیده بودند فقط تلویزیون را به رسمیت می‌شناختند. در طول سال‌ها مدیریت مرکز گسترش وانجمن سینمای جوان خیلی تلاش کردم که بتوانم پل‌ی باشم برای بودجه‌های بی‌زبانی که حق فیلمسازان خلاق و باتجربه بود. البته همیشه هم با مقاومت دستگاه‌های اجرایی به‌خطر عدم شناخت ظرفیت‌های سینمای مستند وقوانین دست ویاگیر آن مواجه می‌شدم. در چند روز گذشته خبر هیأت وزیران در خصوص تصویب این‌نامه‌اجرایی الزام دستگاه‌های اجرایی به‌مستندنگاری وثبت‌تصویری طرح‌ها وپروژه‌های مهم کشور دوباره ذهنم را به آن سال‌ها برد. این مصوبه گویا با نگاهی کارشناسانه‌تر و با پشتوانه تجارب فعالیت‌های مستند سازان تهیه شده و جای امیدواری دارد. همیشه اعتقاد داشته و دارم هر حرکتی برای فعالیت سازنده وعادلانه فعالان آن عرصه، درک درست وبا شناخت صورت بگیرد آن‌شاءالله مفید و سازنده‌خواهدبود اما تجربه‌ی سال‌ها مذاکره وتعامل با دستگاه‌های اجرایی همچنان این نگرانی را نسبت به اجرای خوب این مصوبه با خود همراه دارد. بسیاری از مصوبات، آیین‌نامه‌ها وقوانین موجود کشور در کلیات نه‌تنها مناسب، بلکه پیشتاز وقدرتمند است اما در اجرا متأسفانه اصلابیش برنده‌وتسریع‌کننده‌نیست. تجربه نشان داده است برای عملیاتی کردن این مصوبات، نیاز به پیوست‌های فرهنگی

استثنا وقاعده

اینکه این روزها در خبرها می‌خوانیم که نمایش دایک به کارگردانی حامد عالمی‌پور از خراسان شمالی وبجتورده به جشنواره‌هایی در روسیه، اوکراین، یونان وتایلند وقته وجواز متعددی هم دستگیرش شده، یک استثناست که هرازگاهی ممکن می‌شود اما اینکه باز هم در خبرها می‌خوانیم که در مشهد تئاتر شهری شکل گرفته ودر کنارش چند تالار نمایشی هم به شکل خصوصی فعال شده‌اند، یک قاعده‌است. چون به دنبالش شاهد حضور ده‌ها گروه‌نمایشی از مشهد وخراسان رضوی در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و دیگر جشنواره‌های ملی وحتی حضور بین‌المللی آنان هستیم. سپس به مرور زمان می‌بینیم در یک دهه اتقدرفعالیت‌های گروه‌های تئاتری در آنجا گسترده شده که مشهد خودش شده یک قطب تئاتری پویا، فعال وحتی تأثیرگذار که در جاهایی هم برابری می‌کند با تئاتر تهران ودر جاهایی هم از تئاتر پایتخت دارد پیشی می‌گیرد. نمونه‌های برای امکان حضور و بالندگی گروه‌های تئاتری داریم می‌گوییم که اگر استثنائاتی باشد برای چندصباحی کورسویی از تئاتر را فراهم می‌سازند ونقطه‌مقابلش ترسیم یک قاعده‌است که در آن شکل گرفتن تئاتر بنایش وساز چند تالار نمایشی با گروه‌های تئاتری مستقر می‌شوند وتولیدات‌شان را در اختیار همگان می‌گذارند وپیامد این حضور وفعالیت در وهله اول شکل گرفتن تئاتر است ودر وهله دوم بنابر میزان فعالیت‌ها به لحاظ کمی وموقفیت‌ها به لحاظ کیفی شاهد یک اتفاق کلان‌تر به نام قطب شدن تئاتر در آن شهر یا استان خواهیم بود. شاید همین دیروز بود که همانند حامد عالمی‌پور، شاهد حضور یک پدیده به نام امیررضا کوهستانی با گروه مهر شیرازبودیم، قیفاسال ۸۰ ودر تئاتر فجر، دوره بیستم در شب اجرای نمایش رقص روی لیون‌ها۱۲ مدیر تئاتر و جشنواره‌های بین‌المللی از این کارگردان نوپا اما پویا و خلاق دعوت کردند که با نمایشش برای اجرای همگانی یا جشنواره یا به شهرهایشان در چهار گوشه دنیا بگذارد. در این ۲۰ سال هنوز هم تقریباً تئاتر شیراز را با امیررضا کوهستانی می‌شناسیم که اتفاقاً چهره بین‌المللی شده ودر حدود ۱۰ نمایش فقط برای آلمانی‌ها کار کرده واین‌تیز نمایشی‌های تولید شده در تهران را با گروهش به کشورهای مختلف برده است واین حضور بین‌المللی اش یقیناً از او یک چهره قابل اعتنا ساخته است. با آنکه شیراز تئاتری نشده‌است وپیشینه فرهنگی غنی‌ای هم دارد اما چرا مثل مشهد هنوز یک قطب فعال تئاتری نشده‌است؟! نتیجه؟

اینکه باید حامد علمی‌پور بهانه‌و انگیزه‌ای شود که در بجتورده دیگر شهرهای خراسان شمالی با توجه به اینکه استعدادهای ناب ودرخشانی نیز بسیار دارد، به دنبال فراهم کردن برنامه‌ها وامکانلاتی باشیم که پیرویک سیاست کلان فرهنگی این منطقه‌نیزیکی دیگر از قطب‌های تئاتری‌ما شود. اگر اقرار است که تئاتر را در ایران عزیزمان برای همگان بخواهیم؛ دقیقاًیکی از تدبیرات وتصمیمات درست که دربرگیرنده یک سیاست کلان فرهنگی خواهد شد، همین رویکرد فعال ساز تئاتری در همه جابنابرا یک تبدیل شدن مناطق مختلف به قطب‌های تئاتری است. تئاتر هم بنابر اعتبار گروهی بودنش می‌تواند در بستری فعالانه‌به‌مرور قطب‌های خودش را بنیاد که اینهادرنهایت فرهنگ کشورمان را تغذیه خواهد کرد وفراتر از آن باعث نامدار شدن وحتی جهانی شدن تئاترمان خواهد شد چون علاوه‌بر داشتن استعداد، ما شاهد رشد فضاهای دانشگاهی در زمینه‌تئاتر هستیم که می‌توانند همین استعدادها را پروریا دهند وحالا یک برنامه وامکانات درخور همه‌اینهامی‌توانند جذب تئاتر شهرهای بسیاری شوند که در شهرهای دور و نزدیک از پایتخت فعال شده‌اند واین یعنی ترسیم یک قاعده درست است که تئاترمان را در بهترین حالت ممکنش قرار خواهد داد.

عکس نوشت

شهاب‌الدین حسین پور: سامانه‌های بر خط توانستند خوراک‌های فرهنگی و سرگرمی تولید کنند

در شرایطی که تئاتر تعطیل است، مردم می‌توانند فیلم تئاترهای ما را ببینند و خوشبختانه سامانه‌های بر خط توانستند خوراک‌های فرهنگی که هم اندیشمند هستند و هم باعث سرگرمی می‌شوند برای مردم فراهم کنند اما پخش این آثار به لحاظ اقتصادی برای عوامل و دست‌اندرکاران این آثار آورده‌ای ندارد. در شرایطی که نزدیک به یک سال ونیم‌است که هنرمندان تئاتر ما هیچ‌گونه در آمدی نداشتند، می‌توانستند از طریق پخش فیلم آثارشان در آمد اندکی به دست بیاورند اما این امکان برایشان فراهم نشد که در جای خود مسأله در دناکی است.

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان تئاتر با مهر که بتازگی ۴ اثر فیلم– تاتر و دو فضای مجازی کرده است.

درباره مصوبه تازه هیأت دولت مبنی بر الزام دستگاه‌های اجرایی به مستندنگاری سینمایی طرح‌های بزرگ

بخشی از گفت‌وگوی این کارگردان تئاتر با مهر که بتازگی ۴ اثر فیلم– تاتر و دو فضای مجازی کرده است.

برای دستگاه‌های اجرایی، مخصوصاً مدیران و روابط‌عمومی‌ها دارد. باید به نحوی مؤثر توسط خود مستندسازان وفعالان این عرصه، جلساتی آموزشی جهت شناخت سینمای مستند روز برای بسیاری از مدیران تصمیم گیر دستگاه‌های اجرایی برگزار شود؛ سینمای مستند، سینمایی اصیل و آگاهی‌بخش وماندگار است. متأسفانه اغلب افرادی که در دستگاه‌های اجرایی حضور دارند تحت‌تأثیر سینمای تجاری اکران هستند واعتقادی به اهمیت وتأثیرگذاری درازمدت این سینما برای دستگاه‌های مربوطه ندارند. مسأله مهم دیگر که باید به‌صورت جدی در اجرای این گونه مصوبات به آن توجه کرد نگاه یکسان به همه فیلمسازان خلاق وتوانا با سلیقه‌ها ونگاه‌های مختلف است. آفت حوزه هنر، مرزندی‌هایی است که توسط بعضی‌ها خلاقیّت‌ها را نابود کرده‌وتنوع را که به‌زایش واقرینندگی منجر می‌شودا بین می‌برد. این کشور که به لطف خدا اثرات نعمت اسلام برخوردار است باید با افتخار از همه سرمایه‌های فرهنگی این سرزمین برای آبادانی ورونق وسازندگی بهره‌ببرد. تجربه‌ی سال‌ها کار اجرایی بازگوتننده این حقیقت‌است که ما هر جابضابط وقوانین رابا روابط ومسائل غیر فرهنگی جابه‌جا کردیم، دستاورد مهمی نداشتیم. در مصوبه قبلی که من پیگیر بودم، بسیاری از دستگاه‌های اجرایی اتقدرد گیر امور جاری و روزمره وبه قول خودشان مهمترا بودند که انتهای هر سال تازه متوجه‌می‌شدند باید فیلمی هم می‌ساختند اما چون دیر شده‌بود یاودجه‌به‌خرانه برگشت می‌خورد یا بعجله تولیدات روتین تلویزیون را برای خالی نبودن عریضه وانجام تکلیف، هزینه می‌کردند. باید ضمانتی یا دستورالعملی بنظارتی برای انجام این فعالیت‌ها در اجرای این آیین‌نامه‌ها... دیده شود. پیشنهاد می‌دهم بخشی از تولیدات دستگاه‌های اجرایی با شناسایی فیلمسازان باتجربه بومی وساکن استان‌ها ساخته شود. شرایط سینمای مستند وتلاش‌های فیلمسازان(به‌مسئود خلاق در حال حاضر بسیار متنوع وگسترده شده‌است. پیشنهاد دیگر من این‌است که درصدی از بودجه دستگاه‌های اجرایی در این مصوبه، به خریداریات نمایش فیلم‌های مستند مرتبط که توسط فیلمسازان مستقل تهیه ونهیل شده‌است، پرداخت شود. در دورانی که صدها فیلمساز توانمند وکوشا بدون کمترین حمایتی به ثبت‌توانمندی‌های این سرزمین مشغول هستند خرید رایت نمایش این آثار، تکیه بر دریای موج استعدادها وخلاقیت‌های این سرزمین است. آن‌شاءالله.

زمانی که آن را یک‌نفس می‌خوانید

این روزها نگرانی‌هایی که ابتدای جهانی به بیماری کروناسبب شده‌ها را کم‌حوصله‌تر کرده، حالا مانند که از آن طرف کم مشکلات اقتصادی گریبانمان را گرفته‌است. از همین روبهتر است درانتخاب محصولات فرهنگی– هنری قدری محتاط تر باشیم؛ حداقل در این حال و هوا بیشتر به سراغ کتاب‌ها، فیلم‌ها و آثار برویم که حاملان ارزشمند نمایشی ازمشهد وخراسان وفیلم‌های غم‌انگیز و با پایان تلخ را بگذاریم برای وقتی که شرایط بهتر شد. پیشنهادی در انتخاب نام‌ها هم اینکار به خرج داده‌اسم! انتخابی او آن‌قدر شکل گرفته‌است. همه شخصیت‌ها خیالی هستند، تقی‌زاده حتی در انتخاب نام‌ها هم اینکار به خرج داده‌اسم! انتخابی او آن‌قدر عجیب هستند که می‌توان آنها را از نقاط جالب کتاب دانست. عنوان کتاب هم کاملاً خیالی و ابداعی است، اصلاً در دنیا واقعی الفبایی با عنوان «لازروس» وجود ندارد! با وجود طنز و خردورای این داستان ۲۲۰ صفحه‌ای از نظریات ادبیات فانتزی در جای‌جای آن می‌توان نگاه جامعه‌شناسی نویسنده و نگاه خودی فانتزی در جای‌جای آن می‌توان نگاه جامعه‌شناسی نویسنده کتاب را دید. طی مطالعه رمان بارها به گذشته‌آینده سفر خواهیم کرد. از قدر روایت تقی‌زاده خوانندی است که بعید می‌دانم وقتی‌ها که کتاب را به‌دست بگیریم متوجه تعداد صفحات آن بشوید! آن‌هم در شرایطی که کتاب‌های جیم به اندازه قبل طرف‌دار ندارند. هرچند که الفبای لازروس از این امر مستثنی است وبعید می‌دانم یک‌نفس آن را بخوانید. البته «گراف‌گره» هم دیگر نوشته این نویسنده در همین ژانر است که از سوی نشر روزنه منتشر شده‌است، داستان یک گر به که در خانواده‌ای ایرانی زندگی می‌کند... «گراف‌گره» از سوی نشر «شع وومه» به فرانسوی هم ترجمه ونامزد جایزه‌ای بین‌المللی هم شده که گوناختنامه‌ی آن را به سال آینده کشانده‌است. کار ترجمه انگلیسی «الفبای لازروس» هم به‌نیمه رسیده‌تا چندی دیگر در اختیار مخاطبان کشورهای دیگر هم قرار می‌گیرد. برخلاف گذشته که نویسندگان ایرانی توجه چندانی به ادبیات فانتزی نداشتند طی سال‌های اخیر نویسندگان خوبی به این عرصه ورود پیدا کرده‌اند و آثاری با استاندارد‌های جهانی نوشته‌اند که تقی‌زاده‌هم آنهاست.

در جدیدترین حراجی مشهور ساتیز یک تابلو حکاکی بسیار نادر از خانه خدا و چشم‌انداز شهر مکه دیده شده‌است. این تابلو در سال ۱۷۹۱ به سفارش دیپلماتی به نام «ایگناتیوس موراگکی هسن» از سرازیر شدن حاجیان از صحرای عرقاف به شهر مکه کشیده شد و او بعدها دو هنرمند دیگر را در پاریس به خدمت گرفت تانسخه‌ای بزرگ‌تر از این اثر هنری خلق کنند. گفته می‌شود، رقم تخمینی برای این تابلو حدود ۲۵ تا ۲۵ هزار دلار اعلام شده‌است.



دعای روز بیست و پنجم

ماه مبارک رمضان

اللّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِي لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنًا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ

خدایا مرا در این ماه دلبسته اولیا و دشمن دشمنانت قرار ده و آراسته به راه و روش خاتم پیامبرانت گردان، ای نگهدارنده دل های پیامبران.

روز بیست و پنجم ماه رمضان

ای خدای رازدار و پرده پوش!

اگر ستاره‌ها دانه‌های تسبیح من بودند، نمی‌توانستم حتی گوشه‌ای از صفات و نعمات ولای تو را حساب کنم. اگر جنگل‌ها قلم می‌شدند و رودها جوهر، باز هم نمی‌توانستم مهربانی و بزرگی و بنده‌نوازی تو را وصف کنم. رحمت و کرامت تو هم اتقدّر وسیع است که هیچ بشری نتوانسته و نمی‌تواند آن را تصور کند.

ای کسی که لغزش‌های گنهکاران را نادیده می‌گیری، بخوبی می‌دانم که گناه، روح و روان آدم را آلوده می‌کند و به سمت تو آمدن دل‌ها را جلا می‌دهد و زلال می‌کند؛ کمک کن تا در این ایستگاه بیست و پنجم میهمانی رمضان در مسیری که به ما نشان داده‌ای پایدار و ثابت قدم باشم. همین.

پژوهشی جدید در باره نهج البلاغه

نهج البلاغه چشمه سار حکمت علوی است که از بلندای سینه امیر کلام جوشیده و تا روز و شب می‌آید و می‌رود و همچنان جریان دارد.

در باره عزیمت این کتاب، همین بس که تمام اندیشمندان منصف، از هر کرانه بینش انسانی به تحلیل آن برخاسته‌اند؛ شیعه، سنی، زیدی، مسیحی و... به‌گونه‌ای که در نقطه کانونی وحدت انسان‌های حق طلب جای گرفته است.

یکی از مهم‌ترین وظایف ما در برابر این گنجینه گرانسنگ، عرضه نسخه‌ای صحیح از این کتاب نورانی است. واقعیت این‌است که اوج ادبی و محتوایی کلام علوی به گونه‌ای است که گاه برخی از کتابان کم سواد واژه‌ای را به خطا ثبت کرده‌اند و گاه تصرف عمدی بعضی از مخالفان مشکلی پدید آورده است، برخی از این تصرفات عمدی با سهوی اشتباه جدی در مسیر شناخت عقاید حقه ایجاد کرده‌است؛ از سوی دیگر وجود نسخه‌های خطی معتبر کهن فرصتی پدید آورده تا این خلأ پژوهشی جبران شود و گامی در راه عرضه متنی قابل قبول برداشته شود. بدین جهت با استفاده از نسخه معتبر «ابن سکون» تحقیق جدیدی از متنی نهج البلاغه عرضه شد که در این یادداشت مختصر، اندکی در باره آن سخن می‌گوییم.

ابوالحسن علی بن محمد، دانشمند اهل حله که نسبش به ابن سکون می‌رسد و به همین لقب شهرت دارد، از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن ششم است که صاحبان کتاب‌های تارجم نگاری شیعه و سنی او را به دانش والا پوئژه در زمینه کتابشناسی و تصحیح متون کهن سوده‌اند. یاقوت حموی، صفدی، محب‌الدین ابن نجّار، میرزای اقلندی، شیخ محمد سماوی، اسماعیل پاشا و گروهی دیگر در باره کمال‌ات علمی او سخن گفته‌اند؛ در شمار خدمات او، نگارش نسخه‌هایی صحیح و معتبر از آثاری ارزشمند مانند صحیفه سجّاده، النّهایة شیخ طوسی، مصباح التهجّد کبیر، مصباح المتّجهد صغیر (هر دو اثر از شیخ طوسی) و امالی شیخ صدوق است. (نسخه امالی صدوق به خط ابن سکون که اصل آن در کتابخانه ملی موجود است، اخیراً توسط کتابخانه ملی به صورت چاپ عکسی منتشر شده است). این استسخا‌ها، بخشی از ثمرات تلاش پیگیر ابن سکون در تدریس مکرر چنین متونی است؛ باید دانست که کتاب‌های یادشده بخشی از میراث گرانقدر این دانشمند ناشناخته‌است که به دست ما رسیده و آنچه در گذر زمان و در تحولات گوناگون به دست ما نرسیده، نیز قابل توجه است.

دقت‌های ابن سکون در ضبط صحیح کلمات – که نتیجه تدریس مکرر نهج البلاغه در قرن ششم بوده – ونیز ارباب گذاری‌های دقیق، همراه با بیان علت آن اعراب‌ها، سبب شده که این نسخه در میان صدها نسخه خطی برجای مانده از نهج البلاغه امتیاز ویژه‌ای پیدا کند. جزئیات این دقت نظرها در مقدمه تحقیقی کتاب – حدود پنجاه صفحه – آمده که برای ال تحقیق به زبان عربی نوشته شده و در این فرصت مختصر امکان عرضه آن نکات تخصصی نیست.

این کتاب بر اساس دو نسخه خطی تصحیح شده است؛ اول، نسخه کتابخانه سلیمانیه ترکیه، که به سال ۶۸۴ قمری از روی نسخه ابن سکون نوشته‌اند و سرشار از تعلیقات و حواشی مفصل به زبان های عربی، فارسی و ترکی است که یکی از دانشمندان سنی در قرن دهم نوشته است. دوم، نسخه کتابخانه آیات‌الله بورجردی در قم، که در ماه رمضان سال ۶۴۷ قمری از روی نسخه ابن سکون کتابت شده است. کاتب آن، حسن بن یحیی بن کرم، تذکر می‌دهد که آن را از روی نسخه ابن سکون نوشته که او در محرم سال ۵۸۷ نوشته است. این نسخه بارها به دست دانشوران دیگر مقایله و تصحیح شده است، از جمله علی بن احمد سدید ی حلی، در قرن هفتم (سال ۶۸۴) و دانشور دیگر در قرن هشتم (ماه صفر سال ۷۹۲) که متأسفانه نامش را ننوشت است؛ یک بار دیگر در قرن نهم (سال ۸۹۳) تصحیح شده است.

نهج‌البلاغه بر اساس نسخه ابن سکون به تصحیح و تحقیق «قیس عطار» که حاصل سال‌ها تلاش پیگیر برای خدمت به این گنجینه گرانبار علوی است، در سال ۱۴۳۷ قمری در ۸۴ صفحه با اهتمام مشترک کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین علیه السلام در مشهد و بخش احیای متون وابسته به عتبه علویه در نجف منتشر شده است.